



مجلس روم

استنادات قرآنی قیام امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی*

مقدمه

عمل و گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام ترجمان و تفسیر قرآن کریم است. نخستین مفسر قرآن کریم رسول خدا صلی الله علیه و آله است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»^۱ ایشان اهل بیت علیهم السلام را در حدیث معروف ثقلین، عدل قرآن قرار داده و با تأکید بر تمسک به قرآن و عترت، بر رابطه تفکیک ناپذیر این دو تأکید کردند؛ حدیثی که به نظر بزرگان، در زمره احادیث معتبر و متواتر است.^۲

از حدیث ثقلین، می توان به این حقیقت دست یافت که وجود حجتی معصوم، همواره در کنار قرآن تا زمان ورود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار حوض کوثر ضرورت است.

امام خمینی رحمته الله علیه در زمینه تمسک به ثقلین می فرماید: «ذکر این نکته لازم است

* عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱. نحل: آیه ۴۴.

۲. عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۶، ص ۳۰۳؛ ابن حجر عسقلانی، الصواعق المحرقة، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.

که حدیث ثقلین، متواتر بین جمیع مسلمین است و کتب اهل سنت از صحاح ششگانه تا کتب دیگر آنان، با الفاظ مختلفه و موارد مکرر از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، به طور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف، حجت قاطع است بر جمیع بشر؛ به‌ویژه مسلمانانِ مذاهب مختلف؛ و باید همهٔ مسلمانان که حجت بر آنان تمام است، جواب‌گوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی‌خبر باشد، بر علمای مذاهب نیست.^۱

صدها روایت تفسیری و هزاران استشهاد قرآنی، از کلام ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام به دست ما رسیده که مبین محور بودن قرآن و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است. امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام، قرآن را معیار و اساس ارزیابی سخنان خود معرفی کرده‌اند و به صراحت فرموده‌اند: «آنچه از احادیث ما مخالف قرآن است، زخرف و باطل است.» در این میان، مجموعه‌ای از روایت‌ها و استشهادهای قرآنی از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به ما رسیده است که در این نوشتار، تنها به بررسی استنادات قرآنی ایشان در حادثهٔ عاشورا از زمان امتناع از بیعت با یزید تا لحظهٔ شهادت می‌پردازیم.

امام عَلَيْهِ السَّلَام، یکی از اهداف اصلی قیام خود را دعوت به قرآن و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ذکر کرده است: «إِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى نَبِيِّهِ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّيَّتْ؛^۲ شما را دعوت می‌کنم به کتاب خدا و سنت پیامبر؛ چون سنت پیامبر مرده است.»

همچنین، انگیزهٔ مهلت خواستن شب پایانی حیات خویش را، دوست داشتن نماز، قرائت قرآن، دعا و استغفار ذکر می‌کند: «أَنْتِي كُنْتُ قَدْ أَحْبَبْتُ الصَّلَاةَ لَهُ وَ تِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَ كَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ؛^۳ به‌درستی که من در این شب،

۱. امام خمینی، صحیفهٔ نور، ج ۲۱، ص ۳۹۴.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۹.

۳. همان، ص ۳۹۲.

نمازگزاردن، قرآن خواندن و دعا و استغفار بسیار را دوست دارم.»
 امام علیه السلام، اصحاب خویش را پس از نماز ظهر روز عاشورا، امت قرآن خطاب کرده و فرمود: «یا أُمَّةَ الْقُرْآنِ هَذِهِ الْجَنَّةُ فَاطْبُؤْهَا وَ هَذِهِ النَّارُ فَاهْرُبُوهَا؛^۱ ای امت قرآن! اینک این بهشت است، آن را طلب کنید و از جهنم بگریزید.»
 آن حضرت، روز عاشورا از قاریان و حاملان قرآن به صورت ویژه تجلیل کرد. به گواه تاریخ، بر بالین «حبيب بن مظاهر» فرمود: «لِلَّهِ دَرْكٌ يَا حَبِيبَ لَقَدْ كُنْتَ فَاضِلًا تَخْتُمُ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ؛^۲ خدا خیرت دهد ای حبيب! تو مرد فاضلی بودی که قرآن را در یک شب ختم می کردی.»
 همچنین، در روایات می بینیم که امام حسین علیه السلام، صورت خود را بر صورت «اسلم بن عمرو» که غلامی ترک و قاری قرآن بود، نهاد و با این کار، او را ستود.^۳

استنادات قرآنی

امام حسین علیه السلام، از زمان امتناع بیعت با یزید تا حماسه عاشورا، در شرایط و صحنه های مختلف و به فراخور مخاطب (اعم از دوست یا دشمن)، به بخشی از آیات قرآن کریم استناد کرده اند که به ترتیب زمانی ذکر می شود.

۱. آیه استرجاع: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۴

هنگامی که ولید بن عتبه خبر مرگ معاویه را به امام داد، حضرت آیه شریفه

۱. محمد مهدی حائری مازندرانی، معالی السبطين، ج ۱، ص ۳۶۲.

۲. گروه نویسندگان، موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۴۴۶.

۳. سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۶۰۷.

۴. بقره: آیه ۱۵۶.

استرجاع را تلاوت کرد.^۱ همچنین هنگامی که مروان بن حکم به حضرت توصیه کرد تا با یزید بیعت کند، این آیه را خواند.^۲ امام در طی مسیر کربلا نیز، چند مرتبه این آیه را قرائت کرد. هنگام شنیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه^۳ و هنگام بیدار شدن از خواب و موقع کوچ از قصر بنی مقاتل.^۴

نکتهٔ تبلیغی: «إِنَّا لِلَّهِ»، اقرار به عبودیت و بندگی و «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، اقرار به بعث، معاد و رستاخیز است.^۵ کلمهٔ «استرجاع»، عالی‌ترین درس توحید و باور به معاد است. معتقد به این کلمه، خود را رها نمی‌داند؛ بلکه وابسته به خدا دانسته و هدفمند است. تأثیر تربیتی این دو اقرار، آن است که انسان هرگز خود را مالک نمی‌داند، بر فقدان‌ها جزع نمی‌کند و همواره شکیبایی می‌ورزد. باور این دو اقرار، انسان را تسلیم و راضی قرار می‌دهد. اولیای الهی همواره، هنگام بروز مصائب، به ذکر آیهٔ استرجاع می‌پرداختند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «چهار خصلت در هر کسی باشد، در نور اعظم الله قرار دارد؛ یکی از آنها این است که: «إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ!»^۶ یادکرد امام حسین علیه السلام از این آیه، در شرایط و بحران‌های سخت، نشانهٔ وارستگی امام و توکل قوی ایشان است.

۲. آیهٔ تطهیر: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَكُم تَطْهِيراً»^۷

بعد از تهدید مروان و اصرار بر بیعت با یزید، امام حسین علیه السلام فرمود: «وَيْلَكَ اِلَيْكَ

۱. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۱۴۰.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶.

۳. همان، ص ۳۷۲.

۴. همان، ص ۳۸۰.

۵. شیخ طوسی، التبیان، ج ۲، ص ۳۹.

۶. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۷۰.

۷. احزاب: آیه ۳۳.

عَنِّي، فَإِنَّكَ رَجَسٌ وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الطَّهَارَةِ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ فِيْنَا: إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً^۱؛ وای بر تو مروان! از من دور شو. تو پلید و آلوده‌ای و ما از خاندان پاک هستیم؛ همان خاندانی که درباره آنها، آیه تطهیر را خدا بر پیامبرش نازل کرد...»

نکته تبلیغی: خطاب آیه جمع مذکر است که با «إنما» (مفید حصر) آغاز شده است. در اینجا، اراده الهی، اراده تکوینی است نه تشریحی و مصداق انحصاری آیه، رسول خدا ﷺ، علی عليه السلام، فاطمه عليها السلام، حسن عليه السلام و حسین عليه السلام هستند. در این باره، بیش از هفتاد روایت، فقط از طریق اهل سنت رسیده است!^۲

امام حسین عليه السلام با استناد به این آیه، موقعیت و جایگاه خود را در برابر بنی امیه بیان می‌کند که در حقیقت، بیان ملاک حق و باطل است. معنای کلام امام این است که پیروی از حکومت اهل رجس و بیعت با آنها، باطل و حرام است. در مقابل، پیروی از اهل حق و پاکان، بر همگان واجب و لازم است. امام سجاده عليه السلام نیز، در برابر شماتت پیرمرد شامی به همین آیه استناد کردند.^۳

۳. آیه: «خَائِفًا يَتَرَقَّبُ»^۴

امام حسین عليه السلام در شب یکشنبه، ۲۸ رجب سال ۶۰ هجری، همراه خانواده و یارانش، از مدینه خارج شد؛ در حالی که این آیه را تلاوت می‌کرد: «فَخَرَجَ مِنْهَا

۱. محمد بن ابی طالب حسینی موسوی، تسلیة المجالس وزینة المجالس (مقتل الحسین عليه السلام)، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۴۶.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۴۶.

۴. قصص: آیه ۲۱.

خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛^۱ (موسی) از شهر خارج شد، در حالی که ترسان و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای بود، گفت: پروردگارا! مرا از قوم ستمگر رهایی بخش.»

نکته تبلیغی: هنگامی که به حضرت موسی علیه السلام خبر دادند که فرعونیان قصد کشتن او را دارند، با ترس از مصر به مدین رفت؛ در حالی که دعا می‌کرد: «رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ!» استناد به این آیه از سوی امام حسین علیه السلام، ترسیم خط فکری امام است که همان خط انبیاست. مقابله امام با یزید، مانند مقابله موسای کلیم با فرعون است. امام علیه السلام، حرکت خود را هجرتی موسوی و پیامبرگونه و تقابل خود را با یزیدیان، تقابل با تفکر فرعونی می‌داند. در حقیقت، پیام آیه این است که تقابل موسی و فرعون، منحصر به زمان آن دو نیست؛ بلکه در طول تاریخ، همواره فرعون‌هایی در قالب‌های گوناگون آشکار شده و سعی در مانع‌تراشی برای اولیای خدا خواهند داشت. پیروان حق نیز، همواره به تکلیف خود عمل کرده و در برابر فرعونیان ایستادگی خواهند کرد.

۴. آیه: «لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ»^۲

امام حسین علیه السلام، وقتی به شهر مکه رسید، آیه شریفه «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ؛ چون موسی به سوی مدین روی نهاد، گفت امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت فرماید.» را خواند.

نکته تبلیغی: هنگامی که موسی از مصر بیرون آمد، به شهر مدین (شهری در جنوب شام و شمال حجاز، نزدیک تبوک که آن زمان در قلمرو حکومت فرعون بوده است) رسید. این نخستین هجرت حضرت موسی علیه السلام است که برای فرار از ظلم و

۱. همان.

۲. قصص: آیه ۲۲.

کفر صورت گرفت. امام حسین علیه السلام نیز با استمداد از خدای متعال و قرائت این آیه، وارد شهر مکه، حرم امن الهی شد.

۵. آیه: «لَنْ يَصِيْبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا»^۱

هنگامی که امام علیه السلام از منزلگاه «بطن الرّمه» راه افتاد، عبدالله بن مطیع که از عراق می آمد، با ایشان دیدار کرد و پرسید: «پدرم و مادرم بفدایت! چه چیزی باعث شده از حرم جدّت خارج شوی؟» حضرت فرمود: «کوفیان مرا دعوت کرده اند.» ابن مطیع اصرار کرد: «تو را به خدا! به کوفه نرو که حتماً تو را خواهند کشت.» و امام، این آیه را تلاوت فرمودند: «لَنْ يَصِيْبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا؛ مصیبتی بر ما نمی رسد، مگر آنچه خداوند نوشته است!»^۲

نکته تبلیغی: این آیه، ادامه آیاتی است که درباره نبرد تبوک نازل شد. منافقان گفتند: «اگر ما به تبوک بیاییم، ممکن است چشم مان به دختران رومی بیفتد و گناه کنیم.»^۳ و خداوند بر پیامبر وحی کرد: «به آنها بگو، هیچ حادثه ای بر ما رخ نمی دهد؛ مگر آنچه خداوند مقرر کرده است.»

علامه طباطبایی می نویسد: «ولایت، تدبیر و اختیار امور ما، فقط به دست خداوند است و این اختیار، نه به دست ماست و نه به دست هیچ یک از اسباب ظاهری؛ بلکه حقیقت امر تنها به دست خداست و خداوند سرنوشتی حقیقی از خیر و شر، برای هرکس تعیین کرده است. هنگامی که این مطلب را می دانیم، چرا امر او را امثال نکنیم و در راه احیای امر او سعی و تلاش نکنیم و در راه خدا جهاد نکنیم. خداوند نیز، خواسته خود را اجرا می کند و آنچه را از خوبی یا بدی که

۱. توبه: آیه ۵۱.

۲. ابن قتیبه الدینوری، الأخبار الطوال، ص ۱۸۵.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۶.

بخواهد، به ما می‌رساند.»^۱

مفهوم آیه که امام حسین علیه السلام به آن استشهاد کردند، این است که ما مأمور به تکلیفیم نه ضامن نتیجه! جهاد و تلاش می‌کنیم و به وظیفه‌ای که تشخیص دادیم درست است و معصیت نیست، عمل می‌کنیم؛ اما مقدرات دست خداست. خداوند هرگز برای بنده‌اش بد نمی‌خواهد؛ معنای توکل همین است! امام سجاد علیه السلام هم در برابر یزید ملعون، به همین آیه استناد کردند. امام حسین علیه السلام با تمسک به این آیه، گویا می‌فرماید که پیروزی یا شهادت، هر کدام باشد برای ما گواراست! قائل به جبر نیستیم؛ اما وقتی تشخیص دادیم وظیفه‌ای شرعی، دینی و مطابق عقل است، انجام می‌دهیم و نگران نیستیم!

۶. آیه: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ»^۲

امام حسین علیه السلام در منطقهٔ «البيضة»، با حر روبه‌رو شد. حضرت، در جمع یاران حر سخنرانی کرد و در بخشی از سخنانش فرمود: «فَأَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَهْلِي مَعَ أَهْلِيكُمْ، فَلَكُمْ فِي أَسْوَةِ: مَنْ حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، فَرَزْنَدِ فَاطِمَةَ هَسْتُمْ. خُودَمِ وَ خَانِدَانِمِ بَا شَمَائِمِ وَ مَنْ بَرَايَ شَمَا الْكُو هَسْتُمْ.»

حضرت در ادامه، آنها را به وفاداری و بیعت فراخواند، سخن از نامه‌های کوفیان گفت و در پایان این آیه را قرائت کرد: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ؛ هر کس پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است.»

نکتهٔ تبلیغی: «نکث» در این آیه، به معنای بازکردن، نقض و شکستن عهد است. اصحاب جمل را بدین علت «ناکثین» گویند که بیعت خود را شکستند.

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۰۶.

۲. فتح: آیه ۱۰.

این آیه در بیعت «رضوان» نازل شده است؛ دربارهٔ افرادی که در «صلح حدیبیه» زیر درخت با رسول خدا ﷺ تا مرز جانبازی و عدم فرار، بیعت کردند. این آیه، پیمان شکنی را خودشکنی می‌خواند و استناد امام به آن بیان‌گر این است، راهی که آن حضرت در رویارویی با بنی امیه برگزیده، همان راهی است که پیامبر اکرم ﷺ در رویارویی با مشرکان برگزیده بود و همان‌طور که بیعت با پیامبر اکرم ﷺ بیعت با خداست، بیعت با امام حسین ﷺ نیز بیعت با خداست. به همین ترتیب، همان‌گونه که شکستن بیعت با پیامبر ﷺ ناپسند است، پیمان شکنی با فرزند او نیز، مذموم است. نقض بیعت با امام حسین ﷺ، نقض بیعت با خدا و تباه کردن ایمان است. یکی از اوصافی که امام حسین ﷺ در شب عاشورا، یارانش را به آن ستود، وفاداری است: «فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي»^۱ من یارانی با وفاتر و بهتر از یاران خویش نمی‌شناسم!

وفاداری در زندگی یاران امام حسین ﷺ و شهدای کربلا موج می‌زند؛ به‌گونه‌ای که حضرت ابوالفضل العباس ﷺ، حاضر به نوشیدن آب از شریعه، به یاد تشنگی امام حسین ﷺ نمی‌شود و امام صادق ﷺ در زیارت‌نامه عموی خود، او را با این وصف ستوده است: «أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَدِيقِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ؛ گواهی می‌دهم برای توبه اینکه تسلیم (امر حق) هستی، صداقت و وفاداری و برای فرزندان حضرت رسول خیر خواه هستی»^۲.

در روایتی آمده است که به امام سجاد ﷺ گفته شد: «أَخْبُونِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ؛ مرا از همهٔ شرایع دین آگاه کن.» حضرت فرمود: «قَوْلُ الْحَقِّ وَ الْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ؛^۳ حق‌گویی، داوری عادلانه و وفای به عهد».

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۱.

۲. ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۲۵۶.

۳. عبدعلی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۷۹.

۷. آیه: «مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا»^۱

مرحوم شیخ صدوق نقل می‌کند که وقتی امام حسین علیه السلام به قصر بنی مقاتل رسید، خیمه‌ای دید که از آن مردی به نام عبیدالله حر جعفری، بود. امام او را به همراهی دعوت کرد و فرمود: «تو گناهان زیادی مرتکب شده‌ای؛ آیا می‌خواهی کاری کنی که گناهانت را از بین ببرم؟» گفت: «چگونه؟» امام فرمود: «با یاری فرزند دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم» گفت: «شمشیر و اسبم را می‌دهم؛ اما مرا از این کار معاف دار.» امام فرمود: «لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ وَلَا فِي فَرَسِكَ»^۲ (وقتی جانم را از ما دریغ می‌کنی، ما را به مال و اسب تو نیازی نیست!)

سپس امام علیه السلام این آیه را تلاوت کرد: «وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا»^۳ من هیچ‌گاه گمراه‌کنندگان را دستیار خود قرار نمی‌دهم.»

نکتهٔ تبلیغی: این آیه، پس از آیاتی دربارهٔ سرپیچی شیطان از سجده بر حضرت آدم علیه السلام آمده است که خداوند می‌فرماید: «من هرگز هنگام آفرینش آسمان‌ها و زمین، ابلیس و فرزندانش را شاهد نگرفتم و گمراه‌کنندگان را به یاری نمی‌طلبم.» این آیه، دلالت بر توحید افعالی و نفی ادعای مشرکان در اثرگذاری شیاطین بر آفرینش دارد. استناد امام به این آیه، اشاره به چند نکته دارد:

۱. اصحاب امام علیه السلام باید از پاکان، صالحان و از خالص‌ترین و لایق‌ترین افراد باشند. اگر عبیدالله حر جعفری توبه می‌کرد، مانند حر در زمرهٔ پاکان قرار می‌گرفت؛ اما اکنون که به مال خود می‌نازد و بخل در همراهی امام دارد، حضرت از او کمک نمی‌گیرد.

۲. نقش امام در هدایت افراد و ایجاد تغییر است؛ حتی از بدترین افراد هم نباید

۱. کهف: آیهٔ ۵۱.

۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۱۵۵.

۳. کهف: آیهٔ ۵۱.

ناامید شد!

۳. ضرورت یاری امام و بازو بودن برای دین است.

۸. آیه: «وَمَا ظَلَمُونَا»^۱

هنگامی که ام‌کلثوم به امام حسین علیه السلام عرض کرد: «منزلت جد، مادر و برادرت را به این قوم یادآوری کن»، امام فرمود: «به آنان یادآوری کردم؛ اما نپذیرفتند. آنان را اندرز دادم؛ اما اندرزم در آنان کارساز نبود و سختم را نشیدند. آنها تصمیمی جز کشتن من ندارند و چاره‌ای نیست جز اینکه شما مرا بر این خاک ببینید. «أَوْصِيكُنَّ بِتَقْوَى اللَّهِ رَبِّ الْبَرِيَّةِ، وَالصَّبْرِ عَلَى الْبَلِيَّةِ، وَكَظْمِ نُزُولِ الرَّزِيَّةِ»^۲ شما را به تقوای الهی که پروردگار خلاق است، شکیبایی بر بلاها و پنهان کردن نزول بلا توصیه می‌کنم.»

یکی از دختران امام حسین علیه السلام می‌گوید که ساعتی گریستیم و حضرت این آیه را قرائت فرمود: «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ آنان به ما ظلم نکردند، بلکه بر خودشان ستم روا داشتند.»

نکته تبلیغی: این آیه، درباره یهودیانی است که به علت ناسپاسی خداوند و مخالفت با دستورهای او و حضرت موسی علیه السلام، چهل سال در بیابان‌ها آواره گردیدند و گروهی از آنان که پشیمان شدند، مشمول رحمت الهی قرار گرفتند. در ادامه آیه می‌فرماید: «آنان به ما ستم نکردند، بلکه بر خویش ستم روا داشتند.»

امام حسین علیه السلام با استناد به این آیه، ضمن یادآوری ناسپاسی سپاه ابن‌زیاد، می‌فرماید: «این ظلم سرانجام دامن‌گیر خودشان خواهد شد.»

۱. همان.

۲. گروهی از نویسندگان، موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۴۸۴.

طاعت مطیع و نافرمانی عاصی، هر دو سود و زیانش برای خود آنان است. خدای - تبارک و تعالی - نیاز به طاعت و یاری ندارد. این یک قاعده کلی است که هر ستمی به ظالم و هر نفعی به مطیع برمی‌گردد. افرادی که امام حسین علیه السلام را شهید کردند، دچار خواری شدید شدند؛ به‌گونه‌ای که اجساد بنی‌امیه را «ابوالعباس سفاح» از قبر بیرون آورد و آتش زد. این وعده الهی است که فرجام ستم، تباهی و سقوط است.

۹. آیهٔ املاء: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ...»^۱

ابومخنف نقل می‌کند که شب عاشورا، امام حسین علیه السلام این آیهٔ شریفه را قرائت کرد: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ کسانی که کفر می‌ورزند، گمان نکنند که برای سود رساندن به خودشان به آنان فرصت می‌دهیم؛ به آنان فرصت می‌دهیم که بر گناه و عذاب خویش بیفزایند.»

نکتهٔ تبلیغی: «املاء»، یعنی مهلت دادن و به تأخیر انداختن. این آیه دربارهٔ مشرکان نازل شده است که به ابوطالب رضی الله عنه می‌گفتند: «اگر محمد راست می‌گوید، به ما خبر دهد کدام‌یک از ما مؤمن و کدام‌یک کافر است. اگر دیدیم درست می‌گوید، به او ایمان می‌آوریم.» ابوطالب رضی الله عنه این سخنان را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رساند و این آیه نازل شد.^۲

آیه بالا، پاسخ به این سؤال است که چرا عده‌ای از کافران از نعمت‌های بی‌کران الهی برخوردارند و خداوند آنان را به سبب کفرشان، از نعمت‌ها محروم نمی‌سازد. آیه پاسخ می‌دهد که مهلت دادن به کافران، برای پرشدن پیمانۀ آنان و افزایش

۱. آل‌عمران: آیهٔ ۱۷۸.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۵۶.

گناهانشان است تا به عذاب دائم الهی مبتلا شوند. در حقیقت این مهلت دادن، زمینه سقوط قطعی آنان را به تدریج فراهم می‌سازد. این همان سنت استدراج و استمهال است که یکی از سنت‌های خداوند پیش از کیفر است. خداوند به کافران و گمراهان مهلت می‌دهد تا از آزادی و اختیار خود بیشترین بهره را ببرند و اگر متنبه نشدند، این مهلت موجب می‌شود به بالاترین سقف گناه رسیده و به شدیدترین نوع کیفر مبتلا شوند.

امام حسین علیه السلام، سپاه یزید را به کافران و گمراهان تشبیه کرده که با این ستم، پیمانۀ گناه خود را سنگین‌تر می‌کنند و چنین نیست که این دولت همیشه ادامه پیدا کند. برتری ظاهری امروز، دلیل بر حقانیت آنان نیست. حضرت زینب علیها السلام نیز، همین آیه را خطاب به یزید بن معاویه تلاوت کرد. امام با تلاوت این آیه که دشمنان نیز شنیدند، خواستند تذکری بدهند تا کسانی که امید هدایت در آنان هست، هوشیار شده و بازگردند.

۱۰. آیه: «فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ»^۱

روز عاشورا هنگامی که سپاه ابن‌سعد حرکت کرد و به لشکر امام حسین علیه السلام نزدیک شد، حضرت بر مرکب خویش سوار شد و با صدای بلند که همگان شنیدند، فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِسْمِعُوا قَوْلِي، وَ لَا تَعْجَلُونِي حَتَّى أَعْظَمَكُمْ بِمَا لِحَقَّ لَكُمْ عَلَيَّ، وَ حَتَّى أَعْتَذِرَ إِلَيْكُمْ مِنْ مَقْدَمِي عَلَيْكُمْ، فَإِنْ قَبِلْتُمْ عُذْرِي وَ صَدَقْتُمْ قَوْلِي، وَ أَعْطَيْتُمُونِي النَّصْفَ كُنْتُمْ بِذَلِكَ أَسْعَدَ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ عَلَيَّ سَبِيلٌ، وَإِنْ لَمْ تَقْبَلُوا مِنِّي الْعُذْرَ، وَ لَمْ تُعْطُوا النَّصْفَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» «فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةً ثُمَّ افْضُوا إِلَيَّ وَ لَا تَنْظُرُونِ»، «إِنَّ وَّلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ

يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ»^۱؛ ای مردم! به سخن من گوش فرا دهید و برای پیکار با من شتاب نکنید تا اینکه شما را به حق موعظه و علت آمدنم را به سوی شما بیان کنم. اگر عذر دلیلم را پذیرفتید و سخن مرا درست دیدید (قبول کنید) و اگر عذر مرا نپذیرفتید و با من از در انصاف درنیامدید، «پس کار و شریک‌هایتان را جمع کنید، چنان‌که هیچ چیز بر شما پوشیده نماند. آنگاه به حیات من پایان دهید و مرا مهلت ندهید»، «به‌راستی که سرپرست من خدایی است که قرآن را فروستاده و او شایستگان را سرپرستی می‌کند.»^۲

نکتهٔ تبلیغی: امام علیه السلام در اینجا به دو آیه استناد کرده‌اند. آیهٔ نخست دربارهٔ حضرت نوح علیه السلام است. خداوند به پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم فرمان می‌دهد که ماجرای خطاب آن حضرت به تکذیب‌کنندگان را برای قریش بازگو کند. حضرت نوح علیه السلام گفت: «اگر ماندن من بر شما سنگین است، بدانید بر خدا توکل کرده‌ام. شما شریکانتان و افکارشان را جمع کنید و آنچه در توان دارید، به‌کار گیرید و مهلتم ندهید.» در واقع حضرت نوح علیه السلام، مخالفان خود را با توکل به خدا، ایمان به او و استقامت، به مبارزه طلبیده و آنها را پوچ پنداشت.

استناد امام حسین علیه السلام به این آیه نیز، بیانگر آن است که رسالت او در راستای رسالت انبیا و شیخ‌الانبیا، حضرت نوح علیه السلام است که همان مبارزه با شرک و بت‌پرستی است. گویا امام لشکر دشمن را مشرکانی می‌داند که با انکار ولایت، دور بت یزید و ابن‌زیاد می‌چرخند و از توحید که از طریق ولایت و امامت امام معصوم آشکار می‌شود، غافل شده‌اند!

آیهٔ دوم نیز دربارهٔ پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم است که در برابر مشرکان فرمود: «سرپرست من خداست و او صالحان را سرپرستی می‌کند.» استناد امام حسین علیه السلام به این آیه

۱. دخان: آیهٔ ۲۰.

۲. گروهی از نویسندگان، موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۰۷.

هم، نشان از توکل بالای امام و ایمان به هدف دارد. در واقع، آن حضرت با تصریح به ولایت الهی برای صالحان، به جایگاه عمرسعد و سپاهیانش که جزء فاسقان هستند، اشاره دارد.

۱۱. آیه: «و مِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ»^۱

امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا و روز عاشورا، بارها به آیه شریفه «و مِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» استشهاد کردند؛ از جمله وقتی خبر شهادت «قیس بن مسهر صیداوی (پیک امام به کوفیان)» را شنیدند.^۲

هنگام شهادت مسلم بن عوسجه نیز، امام علیه السلام این آیه را قرائت کردند.^۳ هنگام خداحافظی هر یک از اصحاب نیز، آیه فوق را می خواندند.

نکته تبلیغی: این آیه، افراد را دو قسم کرده است؛ کسانی که در راه خدا شهید شدند و مراد شهدای بدر و اُحُد هستند و گروه دوم که منتظر هستند تا شهادت نصیب آنها شود.^۴ حضرت سیدالشهدا علیه السلام، با استناد به این آیه در موقعیت‌های مختلف، یاران خود را مانند اصحاب راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می داند که در انتظار شهادت به سر می برند. این به معنای آن است که هر یک از یاران امام با آگاهی تمام به این میدان قدم گذاشته و با آگاهی از فرجام کار مبارزه می کنند.

۱۲. آیه اصطفاء: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ...»^۵

امام حسین علیه السلام روز عاشورا، وقتی فرزند دلبندهش، علی اکبر علیه السلام رهسپار میدان شد،

۱. احزاب: آیه ۲۳.

۲. سیدشهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله علیه، شرح احقاق الحق، ج ۱، ص ۶۰۵.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۵.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۴۵.

۵. آل عمران: آیه ۳۳ و ۳۴.

پشت سر او این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.»

همچنین در پاسخ «محمد بن اشعث» که گفت: «چه خویشی بین تو و محمد ﷺ است؟» این آیه را تلاوت کرد.^۱

نکتهٔ تبلیغی: این آیه، به برتری و برگزیدگی آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران اشاره دارد. مراد از آل ابراهیم، اولاد او هستند؛ یعنی موسی و هارون.

فیض کاشانی ذیل آیه می‌نویسد: «پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت او، داخل آیه هستند.»^۲ آنچه از آثار تفسیری برمی‌آید، دلالت بر این معنا دارد که اهل بیت علیهم‌السلام، داخل در عموم این آیه هستند.^۳ این آیه، دلیل بر عصمت اهل بیت علیهم‌السلام است. روایات متعددی در این زمینه رسیده است.

امام رضا علیهم‌السلام در پاسخ مأمون که پرسید: «آیا خداوند عترت را بر دیگر مردم برتری داده است؟» فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ أَبَانَ فَضْلَ الْعِتْرَةِ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ.» مأمون پرسید: «این آیه کجاست؟»

و امام رضا علیهم‌السلام، همین آیهٔ اصطفاء را قرائت فرمود.^۴

امام حسین علیهم‌السلام با استناد به این آیه، خویشاوندی خود با پیامبر و جایگاهش را نزد رسول خدا ﷺ یادآور شد، تا دشمنان بدانند با نام اسلام و پیامبر ﷺ، با برگزیدگان خاندان او می‌جنگند.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۰۲.

۲. ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۷۸.

۴. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۲۳۰.